فهرست

[اصول / حجیت خبر واحد 2](#_Toc167278504)

[پیشگفتار 2](#_Toc167278505)

[بحث سیزدهم 2](#_Toc167278506)

[انواع انذار 3](#_Toc167278507)

[تکرار مطالب 5](#_Toc167278508)

[مطلب اول 5](#_Toc167278509)

[مطلب دوم 5](#_Toc167278510)

[مطلب سوم: احتمال در طایفه و قوم 5](#_Toc167278511)

# اصول / حجیت خبر واحد

# پیشگفتار

بحث در محور سیزدهم از مسائلی بود که در آیه شریفه نفر مطرح شده است، حضرت امام آن احتمال مستبعدی که در **﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ﴾**[[1]](#footnote-1) اینجا از آن دفاع کرده‌اند که ملاحظه بکنید بد نیستب، بر اساس آن شأن نزول که همه به جهاد نروند و عده‌ای پیش پیامبر بمانند و همان جا تفقه بکنند. روی این بعد ایشان خیلی دفاع کرده‌اند البته ما اینها را جواب دادیم.

# بحث سیزدهم

مجموع مسائل و نکاتی در ارتباط با لِیُنْذِرُوا بود، تأکید اشمی‌کنم طبق آنچه دیروز استدراک کردیم و یک نوع استدراک جدی بود گفتیم لِیُنْذِرُوا خود مورد تکلیف به طور مستقل به عنوان یک خطاب جدید بود. یعنی جمع بین دو حکم است در یک خطاب و عطف هم واو جمع است، یعنی دو خطاب مستقل.

اگر کسی لِیُنْذِرُوا همان لِیُنْذِرُوا مترتب بر یَتَفَقَّهُوا بداند و لِیَتَفَقَّهُوا را هم اجتهاد بداند که ما بعید ندانستیم نتیجه‌ای که بر این دو مقدمه مترتب می‌شود این است که این انذار، انذار متفقهانه است، مطلق انذارها را نمی‌گیرد، کاری که در سطوح پایین‌تر از مبلغین صادر می‌شود و یا احیاناً افراد عادی و متعارف آن دیگر مشمول این خطاب نیست. تا حد زیادی هم راه بر روی آن بحث استدلال به آیه در باب خبر هم بسته می‌شود.

دیروز عرض کردیم طبق قواعد و ظهورات جلو بیاییم این حرف درست نیست، از میان آن سه احتمال، احتمال اول را پذیرفتیم گفتیم آیه هم‌زمان دو قاعده را تبیین می‌کند؛

1- یک قاعده این است **﴿لَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ﴾** گروهی باید فقیه در دین بشوند و

**﴿وَلِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ﴾**

2- و قاعده دیگر این است که گروهی باید منذران برای جامعه بشوند و مطالب را منتقل بکنند و انذار بکنند.

عرض کردیم البته انذار متوقف بر مقدماتی است اما مقدمه منحصره آن اجتهاد نیست، ما دون تفقه و اجتهاد هم مراتبی است که با آن کسی می‌تواند مبلغ و منذر بشود.

یک اشکال جدی به آیه این است می‌گوید لِیُنْذِرُوا یعنی ینذر، متفقه، انذار متفقه هم افتاء است و به باب افتاء می‌رود، ما می‌گوییم یُنْذِرُوا با یَتَفَقَّهُوا دو حکم است و دو خطاب اینجا جمع شده است، گویا دو آیه اینجا هست یک بار می‌گوید: **﴿لَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا﴾** یک جای دیگر و بار دیگر می‌فرماید: **﴿لَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾**

بگوییم جمع به معنای ترکیب است خلاف ظاهر است و دلیل می‌خواهد.

اینها را کنار هم قرار داده است برای این است که یک ربطی به هم دارند، این ربط را به شکل ترکیبی بگوید یا کنار هم بیاورد، ولی نمی‌خواهد اینها را دو دایره منطبق بر هم و مساوی قرار دهد.

قرینه دیگر هم این است که در خیلی از آیات دیگر انذار مستقلاً آمده است، معلوم می‌شود آن خود استقلال دارد.

در ذهن شما جاافتاده است که اینها یکی است، بعضی گفته‌اند واو وَلِیُنْذِرُوا عطف به یک محذوفی است، **﴿لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّین﴾** برای نیازهای خودشان، یا برای بقای دین و یکی از اهداف آن **﴿لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾** گفته‌اند، چون دیده‌اند تفقه انحصار برای اینکه برای دیگران بیان بکنیم ندارد، یک فرض تفقه این است که خود او نیازمند شناخت احکام هست، باید تفقه بکند یک فرض این است که تفقه یک امر مستحسن فی حد نفسه است، غیری نیست، نفسی است، یک درجات آن مستحب نفسی است و یک درجه ممکن است واجب نفسی باشد آنجا که اندارس دین لازم بیاید. از این رو است که هیچ استبعادی نیست که عطف عادی است، یَتَفَقَّهُوا یک حکمی است و لِیُنْذِرُوا یک حکم دیگری است البته یُنْذِرُوا یک مقدمه جامعی دارد که یکی از آن تفقه است.

# انواع انذار

این دیروز مطرح شد ولی تکرار می‌کنم که انذار به معنای تخویف یا اخبار مع التخویف است، همان طور که دیروز عرض شد انذار انواعی دارد

1- این است معلوماتی که فرد دارد، او موعظه می‌کند، معلوماتی را بر معلومات شخص نمی‌افزاید، مثل اینکه شیخ انصاری پای موعظه کسی می‌نشست. حتماً از آن موعظه‌گر بیشتر می‌دانست.

یک وقتی هست که یک درجه از انذار تخویف است، با بهره‌گیری از معلوماتی که خود شخص دارد، آن معلومات را دستمایه قرار می‌دهد برای وعظ و تأثیر روان‌شناختی در فرد.

که به نظر می‌آید صدق انذار هم می‌کند.

2- یک درجه دیگر از انذار این است که خبر می‌دهد.

3- این است که افتاء می‌کند.

در اولی تخویف بالمطابقه است، بالتصریح است اما آنجا که اخبار می‌کند یا افتاء می‌کند انذار و تخویف بالملازمه است، در آنجا که احکام الزامی باشد.

حداقل سه نوع انذار وجود دارد؛

1- انذار مستقیم بدون اینکه اطلاع جدید و گزاره جدیدی را به شخص منتقل کند بلکه با تکیه بر معلومات خود او حس ترس را در او به وجود می‌آورد یعنی یادآوری می‌کند و نمی‌گذارد که غافل بشود یا اگر یادش هست برجسته‌سازی می‌کند.

2- که عبارت باشد از اخبار حسی که می‌گوید این عذاب دارد، او نمی‌داند، او می‌گوید حکم این است و خدا نهی کرده است.

3- افتاء می‌کند، فتوا می‌دهد و با فتوا بالملازمه تخویف انجام می‌دهد.

پس؛

1- انذار تخویفی محض

2- انذار افتائی

3- انذار اخبار حسی

احتمالات انذار در آیه

در آیه چند احتمال وجود دارد؛

1- ممکن است کسی بگوید لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ اینجا مقصود همان تخویف است، یعنی موعظه است که آیه می‌خواهد بگوید یک عده‌ای بیایند وعظ بکنند.

این یک احتمال که معمولاً این احتمال را قبول نمی‌کنند، بخصوص که با لِیَتَفَقَّهُوا در اینجا کنار هم قرار گرفته است. لذا اختصاص آیه و یُنْذِرُوا به تخویف محض و وعظ فقط ندارد.

2- علاوه بر اینکه در آیات قرآن وقتی انذار گفته می‌شود در آن در انذار اخبار است و اخبار جدید هم هست؛ به پیغمبر می‌فرماید **﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾**[[2]](#footnote-2)، یا خطاباتی که در اوایل به پیغمبر آمده است، معلوم است که در آن انذارها وعظ این‌جوری نیست بلکه حکم الهی را بیان می‌کند، حقایقی را منتقل می‌کند.

3- اینکه اگر کسی بگوید انذار یعنی فقط وعظ، حتماً الغاء خصوصیت می‌شود چه فرقی دارد که وعظ مستقیم بکند یا خبری بدهد که مستلزم آن است؟

4- روایات ذیل آیه است که رفت و اطلاع پیدا کرد.

پس این فقط موعظه مستقل و مستقیم را نمی‌گوید بلکه شامل اخبارات و افتائات و موعظه غیرمستقیم هم می‌شود.

اما در میان دو احتمال بعدی که اخبار و افتاء باشد؛ یک نوع از انذار این است که فتوا می‌دهد و می‌گوید حکم این است، اعتقاد این است، همه جهات را بیان کرده و ذکر می‌کند، این [افتاء] را حتماً می‌گیرد، لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ را می‌گیرد و آنها که ترکیبی می‌دانند می‌گویند موضوعش همین است.

**﴿فَلْیَحْذَرِ الَّذِینَ یُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ﴾**[[3]](#footnote-3)، همه جا در کنار اوامر و نواهی الزامی می‌بیند و طبیعتاً وقتی فتوا می‌دهد این است، این حکم خداست باید عمل بشود و کسی که تخلف می‌کند عقاب دارد. لذا انذار شامل افتاء هم می‌شود.

اما نسبت به قسم سوم که اخبار عن حسٍ است، بحث ما اینجا اثر دارد؛ اگر کسی گفت یُنْذِرُوا ترکیب با یَتَفَقَّهُوا است واقعاً سخت است که بگوییم یُنْذِرُوا شامل اخبار هم بشود

1- اما اگر اصل این دو را از هم جدا کرد و به لحاظ فنی گفت اینها دوتاست، انذار اخبار مع التخویف است، می‌خواهد اخباری باشد که مبتنی بر حدس و اجتهاد باشد، یا اخباری عن حسٍ باشد؟ خطاب هر دو را می‌گیرد. این اولاً

2- ثانیاً اگر کسی ترکیبی را بگوید به نظر می‌آید الغاء خصوصیت می‌شود، یُنْذِرُوا که با تفقه بگوید یا یُنْذِرُوا که از امام شنیده است و اینجا نقل می‌کند.

3- اینکه شواهدی در روایات هست که می‌رود یک چیزی را سؤال می‌کند و منتقل می‌کند، ربما حامل فقه الی من هو افقه یا ربما حامل فقه غیر فقیه؟ اصلاً او فقهی ندارد ولی منتقل می‌کند، چه فرقی با بقیه می‌کند؟

پس تا اینجا دو چیزی را که دیروز گفتیم بعد مراجعه کردم دیدم در کلمات رفت و برگشت دارد خیلی جدی به عنوان مبانی استدلال.

# تکرار مطالب

دو مطلب را امروز تقویت و تحکیم کردیم

## مطلب اول

اینکه در لِیُنْذِرُوا این خطاب مستقل است، ولو مرتبط است اما خطابی ترکیبی و ترتبی نیست که یک خطاب باشد یَتَفَقَّهُوا و یُنْذِرُوا

## مطلب دوم

این است که یُنْذِرُوا علی جمیع احتمالات واقعاً مستقرب است و مستبعد نیست که هر سه قسم از انواع انذار را بگیرد؛ چه تخویف، چه افتاء حاوی تخویف، چه اخبار حاوی تخویف

علی ای حال این یُنْذِرُوا احکام الزامی را می‌گیرد و غیر الزامی را تا اینجا که گفتیم شاید نگیرد. اگر مراحل بعدی هم حل بشود یُنْذِرُوا خبر الزامی را حجت قرار می‌دهد غیر الزامی با الغاء خصوصیت و عدم قول به فصل درست می‌شود لازم نیست یُنْذِرُوا غیر الزامی را هم بگیرد.

اگر یُنْذِرُوا اخبار عن حس را شامل شد یعنی قسم سوم را شامل شد و لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ هم اضافه شد و حجیت درست کرد، دیگر غیر الزامی را هم با عدم قول به فصل ملحق به الزامی می‌شود.

## مطلب سوم: احتمال در طایفه و قوم

این از نکات مؤثر در سلسله مراحل استدلال هست.

نکته سوم این است که آیه می‌فرماید: **﴿لَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَلِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾** این طایفه و قوم، دو احتمال دارد.

احتمال اول

این است که بگوییم طایفه و قوم حالت مجموعی دارد مثل خطابات مجموعی و عام مجموعی، یعنی طایفه انذار بکنند، مثل گروه‌های تبلیغی و جهادی، خبر را می‌برد و انذار می‌کند که مستفیض و متواتر می‌شود

احتمال دوم

این است که انحلالی است و توزیع می‌شود و منحل می‌شود، طایفه‌ای یاد بگیرند تا به قوم خود منتقل کنند به شکل جمعی بیایند و به اینها جمعی بگویند یا اینکه جمعی می‌روند و درس می‌خوانند و بعد توزیع می‌شوند یکی به این روستا می‌رود و دیگری به روستای دیگری می‌رود.

عرفیت آیه کاملاً بر احتمال دوم است، نه اینکه طایفه به قید اجتماع و مجموع موضوعیت دارد، بلکه طایفه از این لحاظ که جمعی باید بروند چون نیاز پراکنده است، مناطق متعدد. به عنوان من به الکفایه برای مناطق مختلف تأمین بشود. ظهور عرفی این است.

این هم یک مانع دیگر که بعضی گفته‌اند شاید این طایفه و قوم که اینجا آمده است مجموعی باشد و لذا خبر واحد را نمی‌گیرد، این خبر متظافر یا متواتر یا مولد علم است، می‌گوییم ظهور این احتمال دوم است ظهور توزیعی و استغراقی و انحلالی است و لذا یک فرد را هم حتماً می‌گیرد وقتی تفقه بکند یا افتاء بکند یا اخبار بکند، آیا یک فرد مشمول این آیه نیست؟ حتماً هست.

چند مانع در مسیر استدلال به آیه را برداشتیم، استدلال به آیه از سوی خیلی‌ها قبول شده است مثل نائینی و آقای خویی و دیگران و بعضی مثل صاحب کفایه قبول ندارند.

یک اشکال و مناقشه در آیه این بود که یُنْذِرُوا را بگوید افتاء است و اخبار عن حس را نمی‌گیرد و این را زدیم

یک اشکال دیگر اینکه کسی بگوید طایفه مجموعی است، می‌گوییم مجموعی نیست و استغراقی است لذا اعلام یک مطلب از سوی یک نفر به یک جامعه و گروهی در یک شهر، یک روستا، در همان حد اخبار مشمول آیه است، می‌گوییم این کار باید انجام بشود یک عده‌ای باید به نحو واجب کفایی این‌جور انذار را انجام بدهند.

اینها تکمیل مباحث در محور یُنْذِرُوا بود، محور بعدی که چهاردهم می‌شود درباره حذر است، لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ.

1. - سوره توبه، آیه 122 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مدثر، آیه 2 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره نور، آیه 63 [↑](#footnote-ref-3)